

## درس هفتم

دین پژوه گرامی در این درس با این مطالب آشنا خواهید شد

- فمینیسم؛ رویکرد اخلاق ستیزانه
- تاریخچه فمینیسم
- فمینیسم در ایران
- گرایش به اسلام؛ مانع ورود فمینیسم به ایران
- علل گرایش به فمینیسم
- اسلام و زن
- عقل زنان
- مشورت نکردن با زن
- معنای عقل در نصوص دینی

## فمینیسم رویکرد اخلاق ستیزانه

فمینیسم، رویکردی اخلاق ستیزانه است، چون به شدت با نظام خانواده و نظام مادری مخالفت می‌کند و به عبارتی منتقد شأن همسری و مادری زنان می‌باشد، به ظاهر مدافع حقوق زن است، اما در واقع به کانون خانواده آسیب وارد می‌کند؛ زیرا ما در اسلام مسأله اصالت مرد یا اصالت زن و یا اصالت فرزند نداریم و معتقد به اصالت خانواده هستیم و در اسلام خانواده، اصالت دارد و رکن مهمی از خانواده نیز زن می‌باشد.

## تاریخچه فمینیسم

البته در تاریخ بشر ما شاهد ستم‌های فراوان به زنان بوده‌ایم، زن ستیزی یکی از تاریکی‌های تمدن بشری بوده است، در اروپا تا جنگ جهانی اول؛ زنان حق شرکت در انتخابات را نداشتند یا زن اگر کار می‌کرد حقوقش نصف حقوق مرد بود و از بسیاری از امتیازاتی که مردان داشتند برخوردار نبودند. ظلمی حداکثری در غرب علیه زنان اتفاق افتاد و زمینه‌ای شد که در قرن نوزدهم (سال ۱۸۳۷ میلادی) جریانی به نام فمینیسم در انگلستان و فرانسه شکل پیدا کند و به بهانه دفاع از حقوق زن، مباحث خود را مطرح کند.

فمینیسم در ابتدا به عنوان دفاع از حقوق زن مطرح شد، یعنی زن نمی‌توانست بسیاری از حقوقش را در جامعه استیفا کند و نه تنها تبعیض و تفاوت بلکه نوعی بی‌عدالتی در مورد حقوق زن و مرد وجود داشت، متأسفانه این مرحله در همان ابتدا به انحراف کشید و مخالفت اساسی با شأن مادری و همسری زن شد، مثلاً در انگلستان در قرن هجدهم قبل از اینکه اصطلاح فمینیسم مطرح شود خانمی به نام مری آستیل به زنان توصیه می‌کرد و اندرز می‌داد که از ازدواج بپرهیزند و از زندگی بدون لذت ببرند و ایشان عملاً خانواده را نفی کرد، فمینیسم به همین مقدار نیز بسنده نکرد و مسیر افراطی‌تری را طی کرد و معرفت‌شناسی فمینیستی مطرح شد و گفتند: نه تنها زن و مرد حقوق برابر و عادلانه‌ای ندارند و وظیفه زن شأن مادری و همسری نیست، بلکه تمام علوم که در تاریخ علم پدیدآمده است اعم از فیزیک و شیمی زیست‌شناسی، همه علوم مردانه هستند و باید علوم زنانه‌ای تولید شود اگر زنان به تولید و کشف تئوری‌های زیست‌شناختی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و فیزیک و شیمی و مانند این‌ها بپردازند اصلاً به تئوری‌های دیگری خواهند رسید و از اینجا ما مشاهده می‌کنیم که به یک فمینیسم پست مدرنی برخورد می‌کنیم، به طور کلی فمینیسم مبتنی بر نسبی‌گرایی معرفت‌شناسانه است، یعنی اصلاً ما معیاری برای کشف حقیقت نداریم و زنان و مردان در فهم حقیقت با هم اختلاف دارند، فمینیسم با مکاتب مختلف پیوند برقرار کرد، مثلاً فمینیسم با لیبرالیسم، با سوسیالیسم، با مدرنیسم و یا با پسامدرنیسم و غیره، لذا فمینیسم لیبرالیستی شکل گرفت که مانند لیبرال‌ها قائل به اصالت فرد هستند یا فمینیسم سوسیالیستی قائل به اصالت جامعه است، اما جامعه‌ای که او قائل است، جامعه زنان است چون اصالت را به زن می‌دهد و جالب این است که همه گرایش‌های مختلف فمینیسم مبنایشان، اومانیسم و هیومنیسم یعنی؛ انسان‌گرایی است و این انسانی که اصالت دارد از نظر فمینیسم، زن است و مرد از دایره انسان خارج است.

مرحله دیگر که که نزدیک به سه دهه از طرح آن می‌گذرد؛ فمینیسمی اعتدالی است که به دنبال حقوق زن می‌باشد اما نه زنی که از کانون خانواده جدا شده است و علم هم زنانه و مردانه ندارد و اگر یک زنی هم تحقیقات انیشتین را انجام می‌داد به نسبت می‌رسید، نگاه افراطی، کم رنگ شد و دوباره به آن نظریه آغازین دفاع از حقوق زنان بازگشت.

## فمینیسم در ایران

فمینیسم هم مانند بسیاری از ایسم‌های دیگر خام و ناپخته و مقلدانه از غرب وارد ایران شد، شاید اولین بار، همان دانشجویانی که در سال ۱۲۳۰ از ایران به غرب و فرانسه اعزام شدند، افرادی مثل میرزا محمد صالح شیرازی و میرزا ملکم خان و میرزا جعفر مهندس، وقتی بازگشتند و طرح سکولاریزم و سکولاریزاسیون و جدایی دین و روحانیت از جامعه مطرح شد، در همان زمان هم مسأله فمینیسم طرح شد، یعنی در واقع فمینیسم، قبل از مشروطه و همزمان با ورود روشنفکری وارد ایران شد و در زمان مشروطیت هم این شعارها بود و در زمان رضا شاه یعنی سال ۱۳۰۴ شمسی تجدد طلبی، شدت بیشتری یافت و تا سال ۱۳۲۰ قدرت را در اختیار داشت و در این مدت نظام آموزش و پرورش تغییر یافت و دانشگاه به سبک جدید در سال ۱۳۱۳ تأسیس شد و با این تغییر در نظام آموزشی، مسأله رفع حجاب زنان را نیز پیاده کرد در واقع یکی از تجلیات فمینیسم را عملیاتی کرد و بعد مؤسسات و روزنامه‌های ویژه زنان شکل گرفت در آن زمان زن در ایران حضوری در اجتماع نداشت و بیشتر در خانه بود و حتی تحصیلاتی هم نداشت، رضا شاه این زمینه را فراهم کرد که زنان به عرصه اجتماعی وارد شوند اما چگونگی ورود زنان در جامعه را به سبک فرنگی و غیرمحبوبه تعیین کرد نه به گونه‌ای که زن با ارزش‌های دینی و اسلامی حضور در عرصه اجتماعی داشته باشد. در واقع انگار امر دایر بر این مسأله بود که زن یا باید در خانه بماند و از منزل خارج نشود و یا اگر قصد خروج از منزل را دارد باید با کشف حجاب بیرون بیاید و فرض سومی وجود نداشت.

در شهریور ۱۳۲۰ زمانی که محمدرضا شاه به قدرت رسید فرح و اشرف پهلوی در ایران علمدار فمینیسم بودند مخصوصاً فرح پهلوی، که شخصیتی فکری بود و دانسته و حساب شده و تئوری پردازانه عمل می‌کرد و فمینیسم را توسعه داد و تشکیل بنیاد پهلوی یکی از اختلافات جدی بین وی و محمدرضا شاه بود، محمدرضا شاه معتقد بود باید مخالفان را از طریق ساواک، قلع و قمع کرد و لذا ساواک در زمان محمدرضا شاه توسعه و قوت و قدرت یافت اما فرح معتقد بود از طریق فعالیت فرهنگی فرهنگ جامعه ایران را تغییر دهیم و به همین دلیل، بنیاد پهلوی را راه اندازی کرد و بخشی از زنانی که گرایش فمینیستی داشتند را در همین مجموعه فعالیت می‌کردند، مجلات زنان در همان زمان منتشر می‌شود و مسائل دفاع از فمینیسم در آنها به چاپ می‌رسد و استاد مطهری حد فاصل سالهای ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۵ مقالاتی را در جواب مقالات هفته نامه زن روز در همان نشریه به چاپ می‌رساند و بعدها تحت عنوان مسأله حجاب و نظام حقوق زن در اسلام منتشر شد.

این وضعیت تا پیروزی انقلاب ادامه داشت و بعد از انقلاب و دوران جنگ جریان روشنفکری و فمینیستی تقریباً کنار رفت و مطرح نبود اما بعد از اتمام جنگ دوباره حضور روشنفکران سکولار

از جمله روشنفکری فمینیستی در عرصه جامعه و دانشگاه مشاهده شد. اولین بحثی که بعد از جنگ مطرح می‌کنند؛ بحث کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان است و این کنوانسیون، توسط مجلس تصویب می‌شود و از اینجا مخالفت خود را با تمام احکام متفاوت بین زن و مرد شروع کردند تا بعد به تدریج زن غربی که مد نظرشان می‌باشد را معرفی کنند مهم‌ترین شخصیت‌های این دوره افرادی مثل مهر انگیز کار و شیرین عبادی بودند.

دولت ایران در سال ۱۳۷۵ یعنی کمتر از یک سال قبل از دوم خرداد ۷۶ مؤسسه‌ای به نام مطالعات زنان تشکیل می‌دهد و با کمک دانشگاه الزهرا و تربیت مدرس پیشنهاد می‌دهند؛ رشته مطالعات زنان در شورای عالی برنامه ریزی وزارت علوم تصویب شود و در سال ۷۵ این رشته در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری شکل می‌گیرد، به این منظور که تفکر فمینیستی را به عنوان یک رشته دانشگاهی رواج دهند، یعنی اگر سرفصل‌ها و دروس این رشته را بررسی کنید؛ ورود جریان فمینیستی در نظام آموزشی را کاملاً مشاهده می‌کنید.

موسسه مطالعات مسائل زنان در دانشگاه تهران که هنوز نیز دایر می‌باشد در آن زمان به ریاست خانم منیر آمدی فعالیت می‌کرد بعد از بازگشت از اجلاس پکن در سال ۱۳۷۵ پیشنهاد تشکیل این رشته دانشگاهی را می‌دهد و فعالیت جدی در حوزه زنان با رویکردی فمینیستی در کشور شکل می‌یابد، البته در همان زمان شورای فرهنگی زنان وابسته به شورای عالی انقلاب فرهنگی مخالفت می‌کند، اما وزارت علوم به این مخالفت اهمیتی نمی‌دهد و در دی ماه سال ۱۳۷۸ این رشته تأسیس می‌شود.

رشته‌ی مطالعات زنان در دانشگاه تهران با مدیریت خانم ژاله شادی طلب که از فمینیست‌های افراطی است اداره می‌شود و نشریه مخصوص زنان نیز راه اندازی می‌شود و تمام اعضای تحریریه این نشریه همان افرادی بودند که قبل از انقلاب در سازمان زنان ایران مربوط به فرح پهلوی فعالیت می‌کردند و بعد از انقلاب همه آن‌ها خارج از کشور بودند و در آمریکا بنیادی به نام بنیاد پژوهش‌های زنان ایران تأسیس کرده بودند و رشته مطالعات زنان دانشگاه تهران به ریاست خانم شادی طلب با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کند و همه آنها به عنوان تحریریه این نشریه فعالیت می‌کردند و از همان شماره نخست به عنوان نشریه علمی پژوهشی ثبت گردید. افرادی مثل نیره توحیدی، شهلا حائری، الهه رستمی، زیبا میرحسینی، هما هودفر، ماری فولادی، آزاده کیان، افسانه نجم‌آبادی و ... همه مقیم خارج از ایران یعنی آمریکا یا انگلستان یا کانادا و یا فرانسه می‌باشند و همه آن‌ها گرایش تند فمینیستی دارند و بعضی از آن‌ها نیز در مجموعه فرح پهلوی فعالیت داشتند. این سیر تحولات فمینیسم در ایران است.

### گرایش به اسلام مانع ورود فمینیسم به ایران

البته چون در ایران گرایش به اسلام وجود داشت؛ فمینیسم هیچگاه نتوانست در ایران به صورت عریان و خالص غربی نمایان شود، چون جامعه اسلامی ایران آن را نمی‌پذیرفت، بنابراین برای فریب مسلمین از اصطلاح فمینیسم اسلامی استفاده شد و افرادی مثل مهرانگیز کار یا شیرین عبادی

اصطلاح فمینیسم اسلامی را مکرر استفاده می‌کردند که به نظر ما یک ترکیب پارادوکسیکال است، چون مبانی فمینیسم، سکولاریزم و اومانیزم و نفی وحی است و با اسلام قابل جمع نیست، اما این اصطلاح را مطرح کردند و از ابتدا هم مسائلی را بیان کردند که مثلاً چرا زن نمی‌تواند قاضی باشد؟ یا مسائلی راجع به دیه و ارث زن مطرح شد و تأکید فراوانی بر تفاوت‌های حکمی که در دین وجود داشت نمودند، اما به این بسنده نکردند، بلکه می‌خواستند فرهنگ برهنگی زن را در جامعه عرضه کنند، وقتی زن غیر اسلامی در جامعه حضور پیدا کرد و تبدیل به ابزاری برای شرکت‌های اقتصادی شد نتیجه آن نابودی فرهنگ اسلامی می‌باشد. به هر حال آندلس را با استفاده از زنان هرزه از دست مسلمین بیرون آوردند

در نتیجه، جامعه، بیشتر غربی شد، البته نه به این معنا که مانند غرب شاهد رشد پژوهش‌های علمی و تکنولوژی باشیم بلکه توسعه در بی بند و باری معنا می‌شد. امروزه که ایران در رشد علمی و تولید مقالات در دنیا رتبه اول را کسب کرده است هیچگاه اعلام نمی‌کنند که کشور در حال توسعه یافتن است، بلکه ملاک توسعه برای آن‌ها این مسایل غیر اخلاقی است. البته بعد از دولت آقای احمدی نژاد تا چند سال بعد هم رشته مطالعات زنان در دانشگاه الزهرا و دانشگاه تهران و دانشگاه تربیت مدرس به صورت پنهانی فعالیت می‌کردند و حتی نشریه آن‌ها نیز منتشر می‌شد و بعداً شورای فرهنگی زنان در شورای عالی انقلاب فرهنگی، توانستند تغییراتی را ایجاد کنند و مطالعاتی در این زمینه انجام دادند و در شورای عالی انقلاب فرهنگی تحقیقات مفصلی انجام شد و رشته مطالعات زنان را حذف نکردند، بلکه به لحاظ محتوی تغییر دادند.

### علل گرایش به فمینیسم

نکته ی حائز اهمیت این است که؛ صرف غرب گرایی نسل جدید و گرایش بعضی از جوانان به غرب باعث گرایش آن‌ها فمینیسم نبود، یعنی اینکه عامل گرایش برخی جوانان به فمینیسم این بود که برخی تفکر غرب را می‌پذیرفتند، غرب زده می‌شدند و غرب زدگی هم به این بود که یا لیبرالیست و یا فمینیست و یا سوسیالیست شوند و به هر حال باید به یکی از ایسم‌ها گرایش پیدا می‌کردند، این عامل گرایش بود اما نکته قابل توجه این است که؛ تفسیر نادرستی از زن بین متدینان ما وجود داشت و دارد مثل اینکه حضرت امیر در نهج البلاغه درباره نواقص العقول بودن زنان صحبت کرده‌اند و برخی این مسأله را نمی‌فهمیدند و تعمیم می‌دادند یا اینکه به صورت گزینشی احادیثی که از مشاوره با زنان منع می‌کرد را مبنا قرار می‌دادند و تفسیر غلطی از زن مطرح می‌شد که به نام اسلام تمام می‌شد و هیچ زنی هم زیر بار این حقارت و ناتوانی نمی‌رفت یا حتی زن را به لحاظ وجودی به حیوان تشبیه می‌کردند، در تفسیرهای دینی غلطی که بعضی‌ها داشتند و تفسیر ناثوابی که از زن در ادبیات فارسی ما وجود داشت از زمان فردوسی تا الان این مسأله در ادبیات ما وجود دارد. البته برخی از ادبای دوران مشروطیت مثل: نسیم شمال (میرزا جهانگیر خان صور اسرافیل)، یا عارف ابوالقاسم قزوینی یا میرزاده عشقی (سید محمدرضا عشقی) یا ملک الشعرا بهار، در صدد جبران این تفاسیر ناثواب برآمدند اما این جبران هم متأثر از جریان روشنفکری بود این مسأله هم، زمینه

ساز بود این وضعیت زن شناسی جامعه ایران بود و روشنفکری هم زن غربی را معرفی کرد. این بیان گر این مطلب است که ما در حوزه زنان تحقیقات جدی و عمیق حتی به صورت دین شناسانه نیز انجام نداده‌ایم چه رسد به اینکه در این زمینه فرهنگ سازی کنیم.

به لحاظ اجتماعی، نیز هنوز مشاهده می‌شود که در بعضی روستاها و در بعضی شهرها، یا باید زن سالاری باشد و یا مردسالاری که در آن زن باید مثل یک برده در خدمت مرد باشد. جمیع این عوامل موجب می‌شود تا در کشور ایران برخی از خانم‌ها حتی برخی از خانم‌های مذهبی و محجبه گرایش به فمینیسم داشته باشند.

فمینیسم خطری جدی است؛ از آن جهت که می‌خواهد نقش مادری و همسر بودن را نفی نماید و به بهانه حقوق زن به کانون خانواده آسیب می‌رساند و از طرفی این آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی سبب می‌شود عده ای گرایش پیدا کنند این وضعیتی است که وجود داشته و دارد.

## اسلام و زن

اسلام برای زن سه ساحت قائل است: ۱- ساحت انسان معنوی ۲- ساحت خانوادگی ۳- ساحت اجتماعی

### ساحت انسان معنوی:

همان ساحتی است که در آموزه های دینی و آیات فراوانی درباره جایگاه زن بر آن تأکید شده است. به هر حال تفاوت طبیعی بین زن و مرد، غیرقابل انکار می‌باشد، اما از نظر انسان بودن زن همانند مرد انسان است و زن باید همانند مرد انسان معنوی شود، زن همانند مرد، رکن خانواده است، در اسلام اصالت خانواده مطرح است، زن همانند مرد دارای مسئولیت اجتماعی می‌باشد؛ یعنی علاوه بر انسان معنوی بودن و مسئولیت خانوادگی دارای مسئولیتی اجتماعی است که این مسئولیت به خوبی تعریف نشده است. مخصوصاً در دنیایی زندگی می‌کنیم که مشکلات و مسائل اجتماعی اتفاق می‌افتد که از عهده زن بر می‌آید. مثلاً در گذشته قابل‌گیری و وظیفه ای بود که فقط از زنان بر می‌آمد و الان رشته زنان و زایمان رشته‌ای تخصصی است، در همان زمان که بنیاد پهلوی از فمینیسم دفاع می‌کرد، رشته زنان و زایمان را به مردان می‌دادند در حالی که در اخلاق پزشکی زن مسایلی دارد که با زن دیگر می‌تواند در میان گذارد و با مرد نمی‌تواند مطرح کند خب یکی از ابعاد اجتماعی زن است، این افراط و تفریط‌ها باعث شده است که حتی تبلیغ می‌کنند که زن راننده کامیون شده است راننده اتوبوس شده است، در صورتی که این شأن و افتخاری برای زن نمی‌باشد یا بعضی از رشته‌ها که در آن‌ها زنان دائماً در ارتباط با مردان هستند، هم در دنیا و هم در ایران مفسد بسیاری به وجود آورده است، در حالی که نیازی به این امور نیست، به هر حال زن و مرد تفاوتی طبیعی دارند و تکویناً متفاوت هستند و این تفاوت تکوینی، قطعاً باید منشأ تفاوت تشریحی شود؛ یعنی فعالیت‌های اجتماعی و خانوادگی زن و مرد باید تفاوت داشته باشد اما در بعد انسانی و معنوی هیچ تفاوتی بین زن و مرد نیست و در بررسی شئون عبادی که در ارتباط با خدا وجود

دارد مشاهده می‌شود که هم مذکر و هم مؤنث ذکر شده است یعنی در این رابطه تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد و هر دو می‌توانند عالی‌ترین مقامات معنوی را طی کنند. درجه و مقام حضرت زهرا (سلام الله علیها) به لحاظ معنوی کمتر از علی (علیه السلام) نیست.

### ساحت اجتماعی:

عمده بحث اختلاف بین زن و مرد؛ مربوط به مسایل حقوقی اجتماعی است، یعنی چرا به لحاظ حقوقی و اجتماعی بین زن و مرد تفاوت وجود دارد؟ برخی این تفاوت را به معنای بی عدالتی می‌دانند، در حالی که، عدالت به معنای تساوی نیست و هر تفاوتی نیز بی عدالتی نیست. مثلاً معلم ممکن است به دانشجویانش نمرات مختلف و متعددی بدهد و این بی عدالتی نیست و عین عدالت است، شخصی نمره کامل دریافت می‌کند و دیگری که به همه سوالات خوب جواب نداده است نمره کمتری می‌گیرد، گاهی تساوی بی عدالتی می‌باشد. زن و مرد تفاوت دارند و منشأ این تفاوت حقوقی نیز، تفاوت تکوینی آنها است. زیرا در پذیرش تفاوت تکوینی شکی نیست؛ هم تفاوت طبیعی بین زن و مرد وجود دارد و حتی تحقیقات نشان می‌دهد که سلول‌های مرد با سلول‌های زن تفاوت دارد و هم تفاوت‌های روانشناختی بین زن و مرد، وجود دارد از طرفی تفاوت‌های فیزیولوژیکی بین زن و مرد وجود دارد و تفاوت تکوینی منشأ تفاوت‌های حقوقی است مثلاً زن نسبت به مرد دارای بُعد عاطفی قوی‌تری است این طبیعت زن است و مربوط به تربیت نمی‌شود، غدد زن با مرد تفاوت دارد ساختار جسمی زن و مرد متفاوت است، وقتی تکوین زن و مرد متفاوت است، قطعاً باید تفاوت تشریحی نیز وجود داشته باشد، تفاوت نباید به بی عدالتی بیانجامد اما اصل تفاوت الزاماً به معنای بی عدالتی نیست.

### عقل زنان

در نصوص دینی ما در مورد عقل زن، مطالبی آمده است بعضی‌ها استفاده کرده‌اند که؛ در نصوص دینی عقل زن را کمتر از عقل مرد دانسته‌اند و حدیث نقص عقل زنان در نهج البلاغه و اصول کافی بیان شده است. عامل نقصان و رشد عقل چیست؟ (البته عقل از منظر دین) در روایات، نقصان عقل، هم برای مردان و هم برای زنان مربوط به کسانی است که خودبین، شهوت ران و متکبر هستند، در حال غضب خویشندار نیستند هوس باز و زیاده طلب هستند، این‌ها نشانه‌های نقصان عقل می‌باشد یعنی اگر زن یا مرد زیاده طلبی وجود داشته باشد از نظر نصوص دینی ما این فرد نقصان عقل دارد، اینجا منظور عقل مدرنیته و خود بنیاد نیست، بلکه عقل در نصوص دینی است. از طرف دیگر دینداری و فروتنی در برابر حق، کمال طلبی، مخالفت با هوای نفس، هم برای مردان و هم برای زنان نشانه کمال عقل است.

از این مطالب استفاده می‌شود و نتیجه می‌گیریم که کمال یا نقصان عقل در زن و مرد ذاتی زن و مرد نیست بلکه عرضی است. اگر شرایط نقصان را داشته باشد، ناقص است و اگر شرایط کمال را داشته باشد کامل است.

در دسته دوم از روایات، هم برای مرد و هم برای زن ملازمه بین عقل‌مداری و دین‌باوری است. مَنْ كَانَ عَاقِلًا كَانَ لَهُ دِينٌ، مَنْ، آمده است و اطلاق دارد هم مرد و هم زن را در بر می‌گیرد؛ یعنی اگر زنی از ایمان راستین و دین‌داری واقعی برخوردار باشد عقلش کامل است و مردی اگر از دین‌داری ناقصی برخوردار باشد عقلش ناقص است. این دسته از روایات نیز بیان‌گر این مطلب است که نقصان و کمال عقل به خود انسان بستگی دارد.

### مشورت نکردن با زن

دسته سوم از روایات در مورد مشورت نکردن با زنان است اما این دسته از روایات قیدی دارد که به آن توجه نمی‌شود. روایت این گونه است: اِيَاكَ وَ مَشَاوِرَةَ النِّسَاءِ اِلَّا مَنْ جُرِبَتْ بِكَمَالِ الْعَقْلِ؛ از مشورت با زنان بپرهیزید مگر با زنانی که کمال عقلشان تجربه شده است. یعنی رشد عقلانی به لحاظ تجربی پیدا کرده‌اند. یعنی امکان دارد که زنی عاقل باشد و مورد مشورت قرار بگیرد، بنابراین معلوم می‌شود که این نقصان عقلی ذکر شده در روایات که منع مشورت با زنان می‌کند؛ عرضی است، یعنی در یک مقطعی زن به دلیل شرایط اجتماعی؛ مثلاً رشد عقل اجتماعی ندارد یا به خاطر این که حضور اجتماعی آن کم‌رنگ است، نمی‌تواند مسائل اجتماعی را تشخیص دهد بنابراین نمی‌شود با او مشورت کرد، اما اگر زنی از رشد اجتماعی برخوردار بود؛ می‌توان با وی مشورت کرد.

در بحث مشورت چون اولاً مشورت در مباحث اجتماعی و سیاسی مطرح است و مردان، حضور اجتماعی دارند، اما زن‌ها در آن زمان حضور اجتماعی نداشتند. ثانیاً ما روایات فراوانی داریم که اطلاق دارد و می‌گوید: با کسانی که رشد عقلانی ندارند مشورت نکن، انسان‌های خسیس و ترسو و بی‌ایمان مشورت نکن. این در مورد مردان هم صادق است اما چون زن در عصر صدور روایات، حضور اجتماعی ندارد این روایت در مورد زنان آمده است؛ و استثناً هم قائل می‌شود منظور استعداد نیست که نشان‌گر عدم توانایی فکری زن مثلاً در حوزه ریاضیات باشد و زن استعداد نداشته باشد بلکه عقل‌مدیریتی و عقل اجتماعی است برای اینکه استثناً هم دارد و می‌گوید: اِلَّا مَنْ جُرِبَتْ بِكَمَالِ الْعَقْلِ پس معلوم می‌شود که توانایی دارد. چون طبیعت زن به لحاظ تکوینی طبیعتی احساسی و عاطفی است، وقتی بخواهید وارد برخی امور اجتماعی مخصوصاً امور قضایی شوید؛ این احساسات و عواطف مانع می‌شود یعنی گاهی اوقات، مردی در زندگی خانوادگی قصد مشورت دارد، گاهی اوقات شخصی بیمار است و باید پزشکان متخصص جمع شوند و با آن‌ها مشورت کند در بین این متخصصان هم زن و هم مرد وجود دارد، اصلاً از روایات استنباط نمی‌شود که از این‌ها مشورت نگیرید، بلکه برعکس روایات مؤکد آن است که با آن‌ها مشورت نمایید زیرا آنان جزء زنانی هستند که تجربه دارند، ممکن است مردان یا زنان با تجربه‌ای باشند که ایمان کافی نداشته باشند، با این‌ها هم نباید مشورت نمایید، اما زن در عصر ائمه چون حضور اجتماعی ندارد، تجربه اجتماعی ندارد بنابراین نمی‌تواند در مسایل اجتماعی اظهار نظر کند و با او نمی‌توان مشورت کرد این کار لغوی است. این مسأله‌ای که در نقصان عقل در روایات ذکر شده است امری نسبی است، و امری مطلق نیست که هر زنی نقصان عقل داشته باشد.



اولاً؛ عقل هم برای مرد و هم برای زن با بعضی امور کمال و با بعضی امور نقصان می‌یابد و یکی از مسائلی که باعث کمال عقل اجتماعی است؛ حضور اجتماعی زن است و وقتی حضور اجتماعی نداشته باشد؛ کمال عقل اجتماعی ندارد بنابراین نباید در امور اجتماعی با وی مشورت کرد، حال اگر مردی حضور اجتماعی و کمال عقل اجتماعی نداشت با او هم نباید مشورت کرد و این نص روایات است و زنان در آن زمان حضور اجتماعی نداشتند، در بحث قضاوت که مربوط به تشریح است ممکن است استثناء زنی یافت شود که بسیار محکم قضاوت کند و تحت تأثیر عواطف نباشد می‌تواند در مسند قضاوت قرار گیرد بسیاری از بزرگان مثل مقدس اردبیلی این گونه فتوا داده‌اند: اما طبیعت زن طبیعت احساسی و عاطفی است و این نقصی برای زن نیست، بلکه کمالی از کمالات زن است و رکنی از ارکان نظام خانواده است و مرد دارای طبیعتی است و زن هم دارای طبیعت دیگری است و هیچ کدام بر دیگری ترجیح ندارد بلکه دو طبیعت مکمل یکدیگر هستند؛ لِبَاسٌ لَكُمْ وَ لِبَاسٌ لِهِنَّ.

### معنای عقل در نصوص دینی

عقل در نصوص دینی ما چند معنا دارد:

عقل در مقابل عاطفه: وقتی می‌گویند عقل زن ناقص است یعنی دارای جنبه عاطفی زیادی است. این عقل در مقابل جهل نیست و به معنی جاهل بودن زن نیست. عقل به معنای ایمان: یعنی عقل در مقابل کفر است.

### عقل در مقابل جهل

و وقتی دین، به ناقص‌العقل بودن زن اشاره می‌کند؛ یعنی عقل در مقابل عاطفه کم است و عاطفه‌اش زیاد است، این کمال است و با همین بُعد بسیاری از انسان‌ها و زن‌ها می‌توانند به مقامات معنوی دست یابند، تفاوت تکوینی است. ممکن است پرسیده شود چرا زن و مرد تکویناً این گونه آفریده شده‌اند؟ این سؤال جوابی ندارد و اقتضای حکمت الهی این گونه است، این تفاوتی که در بحث عقل ذکر شد بخشی از آن تکوینی است که عقل در مقابل عاطفه است، و بخشی از آن اکتسابی است که به ایمان یا مثلاً تجربه و یا غیره بستگی دارد که موجب اکمال عقل می‌شود.

### فمینیسم رویکرد اخلاق ستیزانه

فمینیسم؛ رویکردی اخلاق ستیزانه است چون به شدت با نظام خانواده و نظام مادری مخالفت می‌کند و به عبارتی منتقد شأن همسری و مادری زنان می‌باشد، ولی به ظاهر مدافع حقوق زن است.

### تاریخچه فمینیسم

البته در تاریخ بشر، ما شاهد ستم‌های فراوانی به زنان بوده‌ایم. زن ستیزی، یکی از تاریکی‌های تمدن بشری بوده است، در اروپا تا جنگ جهانی اول، زنان حق شرکت در انتخابات را نداشتند یا زن اگر کار می‌کرد حقوقش نصف مرد بود. در قرن نوزدهم، جریانی به نام فمینیسم در انگلستان و

فرانسه شکل پیدا کرد و به بهانه دفاع از حقوق زن، مباحث خود را مطرح نمود.

### فمینیسم؛

در ابتدا به عنوان دفاع از حقوق زن مطرح شد، اما به همین مقدار بسنده نکرد و مسیر افراطی‌تری را طی کرد و معرفت‌شناسی فمینیستی مطرح شد. یعنی تمام علوم که در تاریخ علم پدید آمده است، اعم از فیزیک و شیمی و غیره؛ همه علوم مردانه هستند و باید علوم زنانه تولید شود. اگر زنان به تولید و کشف تئوری‌ها بپردازند به نظریات دیگری خواهند رسید.

فمینیسم؛ با مکاتب مختلف لیبرالیسم، سوسیالیسم، مدرنیسم و غیره، پیوند برقرار کرد، لذا فمینیسم لیبرالیستی یا فمینیسم سوسیالیستی و ... شکل گرفت. همه گرایش‌های مختلف فمینیسم مبنایشان، اومانیزم و هیومنیزم یعنی انسان‌گرایی است و از نظر فمینیسم، این انسانی که اصالت دارد؛ زن است و مرد از دایره انسان خارج است.

مرحله دیگر که نزدیک به سه دهه از طرح آن می‌گذرد؛ فمینیسم اعتدالی است که به دنبال حقوق زن می‌باشد، اما نه زنی که از کانون خانواده جدا شده است و با این دیدگاه که علم، زنانه و مردانه ندارد و در نتیجه اگر یک زن هم تحقیقات انیشتین را انجام می‌داد به نظریه‌ی نسبیت می‌رسید. فمینیسم هم مانند بسیاری از ایسم‌های دیگر، ناپخته و مقلدانه و از غرب وارد ایران شد. در واقع فمینیسم قبل از مشروطه و همزمان با ورود روشنفکری، به ایران آمد. در زمان رضا شاه، یعنی سال ۱۳۰۴ شمسی با شدت یافتن تجددطلبی، مسأله رفع حجاب زنان مطرح شد و نیز مؤسسات و روزنامه‌های ویژه زنان، به تدریج شکل گرفت. در شهریور ۱۳۲۰ زمانی که محمدرضا شاه به قدرت رسید؛ فرح و اشرف پهلوی در ایران علمدار فمینیسم بودند.

فرح پهلوی که شخصیتی فکری بود، بنیاد پهلوی را راه‌اندازی کرد و بخشی از زنانی که گرایش فمینیستی داشتند را در همین مجموعه، جمع نمود. مجلات زنان نیز، در همان زمان منتشر می‌شد و مسائل دفاع از فمینیسم در آنها به چاپ می‌رسید.

این وضعیت تا پیروزی انقلاب ادامه داشت و بعد از انقلاب و دوران جنگ، جریان روشنفکری و فمینیستی تقریباً کنار رفت، اما بعد از اتمام جنگ، دوباره حضور روشنفکران سکولار از جمله روشنفکری فمینیستی در عرصه جامعه و دانشگاه مشاهده شد. اولین بحثی که مطرح کردند بحث کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان بود و از اینجا مخالفت خود را با تمام احکام متفاوت بین زن و مرد شروع کردند، تا به تدریج به معرفی زن غربی بپردازند.

### گرایش به اسلام مانع ورود فمینیسم به ایران

البته چون در ایران، گرایش به اسلام وجود داشت؛ فمینیسم هیچگاه نتوانست در ایران به صورت عریان و خالص غربی نمایان شود، چون جامعه اسلامی آن را نمی‌پذیرفت. بنابراین برای فریب مسلمین؛ از اصطلاح فمینیسم اسلامی استفاده شد. به نظر ما، این کار، یک ترکیب پارادوکسیکال است، چون مبانی فمینیسم؛ سکولاریسم و اومانیزم و نفی وحی است و با اسلام قابل جمع نیست.

از ابتدا نیز، مسائلی را بیان کردند که مثلاً چرا زن نمی‌تواند قاضی باشد؟ یا مسائلی راجع به دیه و ارث زن مطرح شد و تأکید فراوانی بر تفاوت‌های حکمی که در دین وجود داشت، نمودند. اما به این بسنده نکردند، بلکه می‌خواستند فرهنگ برهنگی زن را در جامعه عرضه کنند، که نتیجه آن نابودی فرهنگ اسلامی می‌باشد.

در نتیجه، جامعه بیشتر، غربی شد. البته نه به این معنا که مانند غرب، شاهد رشد پژوهش‌های علمی و تکنولوژی باشیم، بلکه توسعه، در بی‌بند و باری معنا می‌شد. امروزه که ایران در رشد علمی و تولید مقالات ISI در دنیا رتبه اول را کسب کرده است، هیچگاه اعلام نمی‌کنند که کشور، در حال توسعه یافتن است، بلکه ملاک توسعه برای آنها این مسایل غیر اخلاقی است.

### علل گرایش به فمینیسم

صرف غرب‌گرایی نسل جدید و گرایش بعضی از جوانان به غرب، باعث گرایش آنها فمینیسم نبود. نکته قابل توجه این است که تفسیر نادرستی از زن بین متدینان ما وجود داشت و دارد. مثل اینکه حضرت امیر در نهج البلاغه در باره نواقص العقول بودن زنان صحبت کرده‌اند و برخی این مسأله را نمی‌فهمیدند و تعمیم دادند، یا اینکه به صورت گزینشی احادیثی که از مشاوره با زنان منع می‌کرد را مبنا قرار می‌دادند و تفسیر غلطی از زن مطرح می‌شد که به نام اسلام تمام می‌شد و هیچ‌زنی هم زیر بار این حقارت و ناتوانی نمی‌رفت. این مسائلی هم زمینه‌ساز بود این وضعیت زن‌شناسی جامعه ایران بود و روشنفکری هم زن غربی را معرفی کرد.

### اسلام و زن

اسلام برای زن؛ سه ساحت قائل است: ۱- ساحت انسان معنوی ۲- ساحت خانوادگی ۳- ساحت اجتماعی

### ساحت انسان معنوی:

همان ساحتی است که در آموزه‌های دینی و آیات فراوانی درباره جایگاه زن بر آن تأکید شده است. از نظر انسان بودن، زن همانند مرد انسان است و زن باید همانند مرد انسان معنوی شود.

### ساحت اجتماعی:

عمده‌ی بحث؛ اختلاف بین زن و مرد مربوط به تفاوت مسایل حقوقی اجتماعی است. برخی این تفاوت را به معنای بی‌عدالتی می‌دانند، در حالی که عدالت به معنای تساوی نیست و هر تفاوتی نیز بی‌عدالتی نیست، گاهی تساوی بی‌عدالتی می‌باشد، زن و مرد تفاوت دارند و منشأ این تفاوت حقوقی نیز؛ تفاوت تکوینی آنها است. مثلاً زن نسبت به مرد، دارای بُعد عاطفی قوی‌تری است، این طبیعت زن است و مربوط به تربیت نمی‌شود، وقتی تکوین زن و مرد متفاوت است؛ قطعاً باید تفاوت تشریحی نیز وجود داشته باشد.

## عقل زنان

در نصوص دینی ما؛ در مورد عقل زن مطالبی آمده است. بعضی‌ها با استفاده از حدیث نقص عقل زنان که در نهج البلاغه و اصول کافی بیان شده است؛ عقل زن را کمتر از عقل مرد دانسته‌اند. در صورتی که عامل نقصان عقل، از منظر دین، هم برای مردان و هم برای زنان؛ مربوط به کسانی است که خودبین، شهوتران، متکبر، هوس باز و زیاده طلب هستند و در حال غضب، خویشتندار نیستند. معنای عقل در نصوص دینی

عقل در مقابل عاطفه، یعنی دارای جنبه عاطفی زیادی است. این عقل در مقابل جهل نیست. عقل به معنای ایمان، یعنی عقل در مقابل کفر است.

عقل در مقابل جهل

مشورت نکردن با زن

دسته سوم از روایات در مورد مشورت نکردن با زنان است، اما این دسته از روایات قیدی دارد که به آن توجه نمی‌شود. روایت این گونه است: «إِيَاكَ وَ مُشَاوِرَتِ النِّسَاءِ إِلَّا مَنْ جُرِبَتْ بِكَمَالِ الْعَقْلِ» از مشورت با زنان بپرهیزید مگر با زنانی که کمال عقلشان تجربه شده است، یعنی به لحاظ تجربی رشد عقلانی پیدا کرده‌اند و امکان دارد که زنی عاقل باشد و مورد مشورت قرار بگیرد. بنابراین معلوم می‌شود که این نقصان عقلی ذکر شده در روایات که منع از مشورت با زنان می‌کند؛ عرضی است، چون مشورت در مباحث اجتماعی و سیاسی مطرح است و مردان حضور اجتماعی دارند اما زن‌ها در آن زمان حضور اجتماعی نداشتند، رشد عقل اجتماعی نیز نداشتند یا به دلیل حضور اجتماعی کم رنگ نمی‌توانستند مسائل اجتماعی را تشخیص دهند بنابراین نمی‌شد با آنها مشورت کرد. همچنین چون طبیعت زن به لحاظ تکوینی؛ طبیعتی احساسی و عاطفی است وقتی بخواهید وارد برخی امور اجتماعی مخصوصاً امور قضایی شوید، این احساسات و عواطف مانع می‌شود. وقتی دین به ناقص العقل بودن زن اشاره می‌کند یعنی؛ عقل در مقابل عاطفه کم است و عاطفه اش زیاد است، و این نقصی برای زن محسوب نمی‌شود بلکه از کمالات زن است، با همین بُعد، بسیاری از انسان‌ها و زن‌ها می‌توانند به مقامات معنوی دست یابند. این تفاوتی که در بحث عقل ذکر شد بخشی از آن تکوینی است که عقل در مقابل عاطفه است، و بخشی از آن اکتسابی است که به ایمان یا مثلاً تجربه و یا غیره بستگی دارد که موجب اکمال عقل می‌شود.

## آزمون

- ۱ - فمینیسم رویکردی اخلاق‌ستیزانه است چون ....
- الف) منتقد اسلام است  
 ب) مبتنی بر اومانیسم است  
 ج) با نظام خانواده و نظام مادری مخالف است  
 د) اصالت را به زن می‌دهد

۲ - معرفت‌شناسی فمینیسم یعنی چه؟

- الف) همه علوم مردانه هستند  
 ب) همه علوم نباید زنانه باشد  
 ج) علم زنانه و مردانه ندارد و اگر زنان هم تحقیقات‌انیشین را انجام دهند به قانون نسبیت می‌رسند.  
 د) اگر زنان به کشف تئوری‌های علمی بپردازند به تئوری‌های کاملاً متفاوتی خواهند رسید.

۳ - پارادوکس فمینیسم اسلامی چیست؟

- الف) اسلام اصالت را به خانواده می‌دهد نه به زن  
 ب) مبانی فمینیسم، سکولاریزم و اومانیسم و نفی وحی است و با اسلام قابل جمع نیست  
 ج) اصالت با زن مسلمان است نه با زن به شکل فمینیستی  
 د) اسلام حقوق زن را رعایت کرده است و نیازی به دفاع از حقوق زن نیست.

۴ - ملاک توسعه از نظر دولت‌های غربی.....

- الف) رواج بی‌بند وباری اخلاقی است  
 ب) رشد علمی و توسعه فناوری است  
 ج) رشد در زمینه دفاعی و تسلیحاتی است  
 د) رشد فرهنگی و اخلاق‌مداری است

۵ - منشأ تفاوت تشریحی در احکام زن و مرد چیست؟

الف) حضور اجتماعی زن

ب) تفاوت تکوینی زن و مرد

ج) تفاوت نقش خانوادگی زن و مرد

د) تفاوت سطح علمی زن و مرد

۶ - ناقص العقل بودن زن به چه معنا است؟

الف) جاهل بودن زن

ب) یعنی ایمان زن ناقص است

ج) یعنی دارای جنبه عاطفی زیادی است

د) یعنی حضور اجتماعی کم تری دارد